



۲۰۱۶/۰۶/۲۶



محمد ولی آریا

## گرایش وخیم جهانی به انزوا و افراط راست

خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا با ترغیب افراطیون راست گرا و پاسخ مساعد مردم آن کشور به آن، حکایتگر سیل روفنده ایست که ابر های تیره آن از مدت هاست فضای جهان را آکنده است.

بهبانه های ملامت گرانه بر پناهندگان ملل جنگ زده، پخش خوف ترس از اسلام و مسلمانان و تحریک گرایشات انزوا طلبانه ملی از حنجره کاندیدان گران بی باک قدرت سیاسی در غرب، همه تلاش هایی است، اغفالگرانه، تا واقعیت های درد ناک اقتصاد استعماری نوین جهانی را کتمان کنند، تضاد ها و تناقضات اوج گیرنده اجتماعی و اقتصادی شانرا پنهان نمایند و ناکامی



نظام های شانرا را در جلوگیری از خلای عمیق جوامع شان در بین فقر و غنای بی لجام، سرپوش بگذارند و ملت های شانرا که از فرط خشم از انهدام شیرازه حیات خویش، دندان می ساینند، با اشاره انگشت به سوی هدف دیگری منحرف نماید.

شاید درمندان جهان عقب نگه داشته شده چنین استدلال کنند که خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا به مثابه بی اتفاقی داینوسور (حیوانات غول پیکر) های تیزدندان است که بهتر است متفق نباشند؛ اما به تجربه میدانیم که انزوا طلبی ها و غیرستیزی غربی ها همیشه در خود یک توسعه جوئی بیدریغ به صورت فاشیزم پرورنده است که با این چهره افروزی قهرگونه می توانند از هر بالا بینی و نظارت جهانی طفره بروند و آرای آگاه جهان را با بی اعتنائی نادیده انگارند، بخصوص که دیروز توسعه جوئی غرب برای تصرف جهان، انگیزه رشد اقتصادی داشت که می توانست قدم به قدم باشد؛ اما امروز این انگیزه برای جلوگیری از سقوط و انفجار داخلی است که به مراتب خشن تر جسورتر و بی محابا تر خواهد بود.

اوج گیری ذهنیت انزوا طلبی و ملامت کاری دیگران که چون نسخه ناشافی برای انحراف مسیر بحرانات اوج گیرنده اقتصادی ملل ثروتمند، توسط سرمایه داری بی بند بار فرد گرا تجویز شده است، طرح امریکائی آن از زمان کاندیدایی «دانالد ترمپ» به مرحله اجرا گذاشته شده است. وجیزه هایی که بر زبان آقای "ترمپ" گذاشته شده، همه محصول یک سناریوی مشخص و سنجیده شده است که در ظاهر مسخره جلوه می کند، اما همین مضحکه با استفاده از روشهای رندانه دست کاری ذهنیت عامه، وسیله شهرت و به احتمال قریب زمینه انتخاب او را به ریاست جمهوری ایالات متحده فراهم خواهد کرد که همسانی و همسویی شعار های انزوا گرایانه و ملامت بار در بریتانیا با شعار های آقای "ترمپ" بیانگر یک تفاهم و مجوزه مشترک قدرت مندان آزمنده جهان است که ما حتماً اثرات و نتایج آنرا چه در انتخابات آینده بریتانیا در تبارز شخصیت های همگون و هم آواز "دانالد ترمپ" و به احتمال قوی در سایر ملل

اروپائی، یکی دنبال دیگر خواهیم دید، که تردید محکمه عالی ایالات متحده آمریکا در سپردن هویت هم شهری بخصوص به زحمتکشان لاتین در این کشور، همزمان با موج انزوا گرایی بریتانیا، همه حاکی از آن است که یک موج مشترک، در خصومت و خشونت با غیر غربی ها در حال تراکم است. که نتیجه آن بی اعتنائی هرچه بیشتر به حیات آنها و مداخلات بی باکانه بر حریم غیر غربی ها خواهد بود.

با تائید سیاست های خصمانه در برابر جهان غیر غربی، مردمان غرب فراموش می کنند که مسؤلیت بخش اعظم نابسامانی و ناگواری های مردمان ملل استعمار زده آسیا و افریقا و امریکای لاتین و بومیان استرالیا که امروز زنان و کودکان و مردان شان در پس دروازه های طلائی غرب به تضرع نشسته اند نه تنها در گذشته بلکه همین اکنون بر دوش آنهاست، همین استعمارگران بودند و هستند که با تمام وسایل و امکانات، سرنوشت این مردمان را در مسیر منافع خود رقم زدند و می زنند، ثروت و منابع آنان را چاپبند و می چاپند، ستم پیشگان خونین پنجه ای را بر مقدرات آنها گماشتند و می گمارند، و این گرگان را در میان رمة ملت های شان حفاظت و حمایت می نمایند. همین ها بودند که با تبختر استعمارگرانه، سرزمین های این ملل را پامال کردند و می کنند، و همین ها هستند که جواز حملات وحشیانه، بر کودکان و زنان و مردان بی پناه شرق را به همطرازان سفاک جهانی خویش صادر کرده اند و حال از نتایج بی خانمانی آنها در ظاهر اشک تمساح می ریزند؛ اما در دل خود قند می شکنند و بالاخره آخرین بیا خیزی های عادلانه آنها را در برابر دیکتاتوران کهن، با نصب مستبدین جوان و تلاشی کلیه ابعاد حیات آنها منحرف و ناکام ساختند، و اگر اکنون تعدادی از این مردمان در کوچه و بازار آنها سر گردان اند هیچ ضرر و خمی بر آنها نمی زنند و اگر چند عنصر بی سر و پا و گماشته، ضرری به غرب وارد کرده است، بهتر است به ریشه آن پردازند و از تولید سلاح و تسلیح آنها خود داری ورزند چه هر بیننده ای به سادگی میداند که جهان غرب که مخالفین حقیقی اش را در زیر زمینی ها می تواند کشف و نابود کند، هیچگاه از انهدام دشمنان ظاهری اش بروی جاده ها به سواری کاروان های جنگ افزار، عاجز نیست.

آنچه مایه اندیشه است این است که این خصومت پراگنی به سوی خشونت گسترده جهانی می رود، اهانت های ملی بر هویت و کرکتر ملل غیر غربی، بر ذهن و ضمیر ملل درد مند و مجروح، چون خنجرى خواهد خلید، و بر آتشی که بر جان جهانیان همین اکنون از ستم استثمار و استعمار نوین مشتعل است، هیزم دیگری خواهد پاشید که نه تنها چاره جوئی های کاذب بحران های غربی را خنثی خواهد کرد بلکه خشونت گروه های منحرف و دهشت افکن دستوری کنونی را با خصومت های حقیقی کتله های ملی در خواهد آمیخت و آنگاه چاره جوئی های خاک پوشانه بر این آتش بی قرار حاصلی نخواهد داشت. این موج وخیم غیر دشمنی سراسر جهان را خواهد گرفت که نه تنها جهان غرب را این گرایش ویرانگر خواهد پوشاند بلکه جوامع غیر غربی را نیز غیر ستیزی های خشمگین فرا خواهد گرفت و گروه ها و دسته های غارتگر و ستیزه جو در پیوند با عوامل جهانی این مشی، جهان را به ماتم خواهد کشانید.

ختم